میزخبر

آتش‌سوزی مرگبار در مرکز ترک اعتیاد

روز گذشته به علت وقوع آتش‌سوزی در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد لنگرود، شماری از مددجویان جانشان را از دست دادند و رئیس قوه قضائیه به رئیس کل دادگستری استان گیلان برای بررسی علت این حادثه تلخ مأموریت داد.

به گزارش رسانه‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای طی دستوری خطاب به رئیس کل دادگستری استان گیلان بر تسریع در مشخص شدن علت حادثه و همچنین استفاده از ظرفیت همه دستگاه‌های اجرایی جهت کمک به افراد حادثه دیده تأکید کرد. احمد وحیدی نیز پس از اطلاع از حادثه آتش سوزی در تماس تلفنی با استاندار گیلان در جریان جزئیات این حادثه قرار گرفت و ضمن دستور فوری برای کمک به مصدومان، بررسی دقیق علت آن و برخورد قاطع و قانونی با مسبب یا مسببان این حادثه را خواستار شد.

علی محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی کشور هم ضمن ابراز تأسف از بروز این اتفاق از مدیرکل بهزیستی استان گیلان خواست تا در اسرع وقت نسبت به بررسی ابعاد موضوع و برخورد با متخلفان در بروز این حادثه اقدام شود.

پس از آن، فرمان دستگیری افراد مسئول و دخیل در این حادثه توسط رئیس کل دادگستری استان گیلان صادر و عنوان شد که متولیان این مرکز ترک اعتیاد و دیگر مسئولان مرتبط بازداشت هستند.

محمد جلایی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گیلان با اشاره به جزئیات بیشتر حادثه دلخراش لنگرود، اظهار کرد: تاکنون در جریان این سانحه اندوهبار ۳۲ تن فوت کرده و ۱۷ تن دیگر تحت مداوا در دو بیمارستان لنگرود و ولایت رشت هستند.

وی همچنین از وخامت حال چهار تن دیگر از مصدومان و سانحه دیدگان این حادثه خبر داد و گفت: تلاش کادر درمان برای زنده نگه داشتن افراد مصدوم با جدیت در حال انجام است.

جلایی در تشریح دلیل و ابعاد این حادثه اندوهبار در گیلان بیان کرد: علت آتش سوزی در بررسی‌های اولیه آتش گرفتن بخاری، سرایت آتش به پرده و نهایتا آتش سوزی کل ساختمان در عین غافلگیری مددجویان و مسئولان کمپ بوده است که هنوز نظر قطعی و کارشناسی اعلام نشده است. برخی از کارشناسان عنوان کرده‌اند که ساختمان کمپ قدیمی و دارای سقف ایرانیتی بوده و همین موضوع سبب شدت آتش سوزی شده است؛ احتمالا اتصال سیم برق موجب آتش سوزی شده که البته در دست بررسی است.

وی با بیان اینکه غافلگیری شبانه، محبوس شدن و ازدحام جمعیت از دلایل افزایش فوتی‌ها در این مرکز ترک اعتیاد بوده است، خاطرنشان کرد: علاوه بر شمار بالای مددجویان، نگهبان و مسئول نگهداشت این مرکز درمان سوء مواد مخدر نیز جان خود را در این حادثه از دست داده است.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گیلان همچنین از نگهداری بیش از ظرفیت مددجویان در مرکز درمان سوء مصرف مواد مخدر در لنگرود خبر داد.

مطابق وعده استاندار گیلان علت این حادثه پس از بررسی‌های کارشناسی به سرعت اعلام خواهد شد.

اسدالله عباسی، ۱۲ آبان ماه در حاشیه برگزاری نشست شورای تأمین استان گیلان در فرمانداری شهرستان لنگرود، اظهار کرد: علت حادثه در دست بررسی است و متعاقبا و پس از بررسی‌های دقیق کارشناسی اعلام خواهد شد لذا با هماهنگی وزیر کشور، دستورات لازم برای بررسی علل و عوامل حادثه آتش‌سوزی صادر شده است.

استاندار گیلان بیان کرد: ابعاد گوناگون این حریق به صورت دقیق کارشناسی می‌شود و لذا مدیران کمپ و مسئولانی که در این زمینه وظایفی برعهده داشته‌اند تحت نظر هستند.

رئیس اورژانس کشور نیز در تشریح جزئیات امدادرسانی به حادثه دیدگان گفت: مصدومان دارای سوختگی ۴۰ تا ۶۰ درصد هستند و اقدامات درمانی برروی این افراد در حال انجام است و اجساد ۳۲ نفر از جانباختگان به پزشکی قانونی منتقل شده است.

وی از برگزاری جلسه شرایط اضطراری حوزه سلامت با حضور رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان و رئیس مرکز اورژانس گیلان خبر داد و عنوان کرد: پس از این حادثه مراکز درمانی شهرستان‌های لنگرود، رودسر و رشت به حالت آماده باش درآمده و اتوبوس آمبولانس نیز برای انتقال مصدومان از لنگرود به رشت اعزام شد.

میعاد فراعزام تیم ارزیاب از ستاد اورژانس گیلان به شهرستان لنگرود، اعزام رئیس شبکه بهداشت شهرستان لنگرود به محل حادثه، تخلیه بخش اورژانس بیمارستان ولایت رشت برای پذیرش مصدومان، فراخوان کادر درمانی آنکال برای حضور در بیمارستان ولایت رشت، حضور رئیس مرکز اورژانس گیلان در ستاد فرماندهی حادثه دانشگاه گیلان و حضور رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان در بیمارستان ولایت رشت را نیز از دیگر اقداماتی برشمرد که بلافاصله پس از حادثه انجام شده است.

جدایی در سالمندان عواقب روان‌شناختی وخیمی برای زوجین دارد

پیامد طلاق به‌وقت پیری!

گروه اجتماعی- حسن طباطبایی

طلاق در هر دوره‌ای آثار فرسایشی و تخریبی دارد، حتی افرادی که برای طلاق جدی هستند از آسیب‌هایی نصیب نخواهند بود. بی‌تردید فروپاشی هریک خانواده چنان آثار مخربی بر جامعه دارد که گویی انفجار عظیمی واقع شده و پیامدهای آن گریبان حجم بسیاری از افراد جامعه را می‌گیرد، زیرا خانواده ستون جامعه محسوب می‌شود، بنابراین نمی‌توان آثار آن را تنها بر زندگی دو فرد خلاصه کرد. با این همه، عمر همزیستی زوج‌ها کاهش یافته است، موضوعی که در گذشته از سوی جامعه به عنوان تابویی غیرقابل پذیرش شناخته می‌شد، حتی در بسیاری از شهرها رخداد طلاق به ثبت نمی‌رسید و چنانچه امکان سازگاری و تداوم زندگی مشترک وجود نداشت، زوجین در شهری دیگری جدا می‌شدند تا هیچ کس از این اتفاق نامبارک مطلع نشود. حالا سال‌هاست که طلاق به عنوان یکی از پنج اولویت اصلی در حوزه اجتماعی به شمار می‌رود و نه تنها زندگی جوان‌ها با اندک تکانه‌ها و تلنگرها فرومی‌پاشد که برخی سالمندان هم به جدایی تن می‌دهند!

وقتی فرزندان از والدین مستقل می‌شوند؛ زوجین پا به سن گذاشته به سندروم آشیانه خالی دچار شده و تصمیم به جدایی می‌گیرند. این مدل طلاق میان زوجینی رواج دارد که پس از ۳۰ یا ۴۰ سال زندگی مشترک به خاطر فرزندان یکدیگر را تحمل می‌کنند و پس از مستقل شدن فرزند دیگر عاملی برای حفظ ثبات زندگی خود ندارند و همین موضوع باعث می‌شود به طلاق فکر کنند به ویژه اگر دو طول میان زوجینی رواج دارد که پس از ۳۰ یا ۴۰ سال زندگی مشترک به خاطر فرزندان یکدیگر را تحمل می‌کنند و پس از مستقل شدن فرزند دیگر عاملی برای حفظ ثبات زندگی خود ندارند و همین موضوع باعث می‌شود به طلاق فکر کنند به ویژه اگر دو طول زندگی‌شان با اختلاف و سوءظن نیز مواجه باشند. بررسی‌هانشان می‌دهد، طی دو دهه گذشته میزان طلاق در زوج‌های بالای ۵۰ سال دو برابر و در افراد بالای ۶۵ سال سه برابر شده است.

نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است، که بیشترین میزان طلاق در فاصله زمانی کمتر از یک سال از آغاز زندگی مشترک ثبت شده و پس از آن هرچه بر سال‌های زندگی مشترک افزوده می‌شود، احتمال طلاق کاهش می‌یابد و براساس داده‌های آماری، میانگین دوره ازدواج در زوج‌های طلاق گرفته ۹ سال است که در مردان میانگین سنی ۳۷/۲ و در زنان ۳۲/۳ ثبت شده است، با این حال نتایج برخی داده کاوی‌ها گویای آن است که میزان طلاق در بین میانسالان و سالمندان هم رو به تزاید است.

«جدایی در سنین بالا عواقب روان‌شناختی وخیمی برای زوجین دارد. این واقعه مترادف با برباد رفتن آرزوی با هم پیرشدن است. احتمال بروز افسردگی و سایر اختلال‌های روانی در این گروه از سالمندان بسیار بیشتر از آنهایی است که همسرشان را به علت مرگ از دست می‌دهند چراکه در این موارد علاوه بر برچسب‌های منفی اجتماعی و محیطی، حمایت سایر اعضای خانواده و فرزندان نیز کمتر می‌شود حتی گاه طرد کامل از سوی خانواده دیده می‌شود.» احمدرضا شاهسوند در قامت آسیب شناس اجتماعی با بیان این عبارت تأکید می‌کند: «طلاق دقیقا شبیه به یک جراحی است که نتیجه آن قطع عضو است. مانند زمانی که فردی بیمار است و پزشک تشخیص می‌دهد که باید یکی از پاهایش قطع شود در غیر این صورت شخص فوت می‌کند. طلاق هم چنین شرایطی را دارد و افرادی که از یکدیگر جدا می‌شوند به شدت آسیب می‌بینند. همچنین زوجین باید توجه داشته باشند که جدایی در سن میانسالی و سالمندی با خودش بحران‌هایی را به همراه دارد و اغلب سالمندان دچار مشکلات جسمی متعددی هستند و تنها زندگی کردن برایشان دشوار است.»

این آسیب شناس بیان می‌کند: «برخلاف طلاق در جوان‌ترها، امکان ازدواج و تشکیل و تجربه یک زندگی مجدد عملا در سالمندان منتفی است. جدایی سالمندان معمولا یک نکته منفی در زندگی فرزندان و حتی نوه‌ها محسوب می‌شود و گاهی این عمل در ازدواج فرزندان و نوه‌ها و حتی زندگی خصوصی‌شان اثری سوء دارد.»

جدایی می‌تواند خسارت‌هایی به بار بیاورد که به سختی می‌توان آنها را جبران کرد. به علاوه در جایی که تصور می‌شود با استقلال فرزندان، طلاق تأثیر کمتری بر آنها خواهد داشت اما به طور مطلق نمی‌توان گفت که جدایی والدین، زندگی آنها را درهم نمی‌شکند. شاهسوند در این زمینه می‌گوید: «توجیه جدایی برای فرزندان دشوار است حتی اگر آنها بزرگ و مستقل باشند. گاهی فرزندان باید والدین متارکه کرده را از نظر روانی و مالی حمایت کنند و بتوانند از نظر علاقه و رسیدگی، تعادلی بین آنها برقرار کنند. همین موضوع می‌تواند روی زندگی خود آنها و روابطشان با همسر و فرزندانشان اثر منفی بگذارد. این مشکل وقتی بیشتر است که یکی از دو طرف (اغلب خانم‌ها) استقلال مالی نداشته باشد.»

افسانه صمدزاده، روانشناس و استاد دانشگاه در همین رابطه عنوان می‌کند: «بسیاری از زوجین میانسال و سالمند معتقدند فرزندانشان بزرگ شده و ازدواج کرده‌اند و طلاق آنها مشکلی را پدید نمی‌آورد اما این طرز فکر اشتباه است. طلاق در هر سنی برای فرزندان سخت است، چراکه شرایط روحی و روانی نامناسبی را تجربه خواهند کرد.»

این استاد دانشگاه در ادامه با بیان اینکه نرخ طلاق در افراد بالای ۵۰ سال دو برابر و در افراد بالای ۶۵ سال سه برابر شده است، خاطرنشان می‌کند: «در مقطعی که همه فکر می‌کنند زوج‌ها به خوبی در رابطه خود جا افتاده‌اند، ارتباط خوبی با هم برقرار کرده‌اند و تا پایان عمر در کنار هم می‌مانند، برخی از آن‌ها به فکر جدایی از یکدیگر می‌افتند. به طور کلی طول عمر انسان‌ها بیشتر شده است و یکی از دلایل پدیده طلاق خاکستری این است که وقتی آن‌ها به راه پیش رویشان نگاه می‌کنند، گزینه‌های بیشتری را در برابر خود می‌بینند، از جمله ترک کردن زندگی خانوادگی.»

آسیب‌های طلاق در سنین بالا

اما این مسئله پیامدهای منفی زیادی دارد. صمدزاده مطرح می‌کند: «بسیاری از زنان سالمند و برخی میانسالان ما هیچ وقت شاغل نبوده‌اند و در چنین سن و سالی به سادگی نمی‌توانند شغلی پیدا کنند. از طرفی مسئله پیامدهای بالقوه ناشی از تنهایی بر وضعیت سلامت روان آن‌ها نیز مطرح است. بنابراین مسئله جدی‌تر در مورد عوارض طلاق خاکستری، بیماری‌های جسمی و روانی است. تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش علائم افسردگی از عوارض این اتفاق است. برای مشاوران دیدن افراد میانسالی که پس از طلاق دچار اضطراب، استرس مزمن یا افسردگی پیشرفته شده‌اند چیز عجیبی نیست. در بسیاری از افراد طلاق می‌تواند موجب بروز علائم استرس پس از سانحه شود، علائمی مانند کابوس یا به یاد آوردن حوادث تلخ در گذشته.»

صمدزاده اضافه می‌کند: «این را هم باید مورد توجه قرار داد که همه ما وقتی سنمان بالاتر می‌رود، معمولا دوست داریم حلقه دوستانمان را گسترش دهیم. ولی وقتی کسی در ۶۵ سالگی طلاق می‌گیرد، واقعا پیدا کردن حتی چند نفر که بتواند با آن‌ها وقت بگذراند یا ارتباط بیشتر با فرزندان بزرگسال و متأهل، سخت می‌شود. طلاق در میانسالی و سالمندی هر چند با تصور رهایی از سال‌ها درد و رنج انجام می‌شود، اما حقیقت بسیار متفاوت است. زن می‌داند که پس از جدایی از مرد دیگر کسی نیست که به سرعت کارهای تعمیراتی منزل را برایش انجام دهد یا برای سرویس کولر باید منتظر بماند تا پرسش در بین کارهایش یک وقت خالی پیدا کند. احتمالا نگاه همسایه هانیز به او تغییر پیدا می‌کند. چه کسی قرار است با مدیر ساختمان برسر قبوض و هزینه‌های ساختمان مذاکره کند؟ آیا او می‌تواند بدون دغدغه نیازهای مالی خود را رفع کند؟ آیا اگر نیمه شب مریض شود، پرسش می‌تواند همسر و بچه‌هایش را رها کند و به سرعت به مادرش رسیدگی کند؟ در سرمرد نیز همین قسم افکار می‌چرخد. او نیمی از عمرش را در کنار زنی بوده که با وجود همه اختلافات، امور خانه را به خوبی مدیریت کرده و مرد دغدغه‌ای از بابت این مسئله نداشته است. حالا او پس از سال‌ها تکیه بر توانایی مدیریت یک زن چطور می‌تواند از پس ابتدایی‌ترین امور خانه برب‌یاید؟ در بیشتر موارد مردان به نسبت مادران کمتر از سوی فرزندان خود توجه می‌بینند، چون در تربیت فرزند دخالت چندانی نداشته‌اند و این مادر بوده است که با بچه‌ها بیشتر در ارتباط بوده است. مرد دیگر از همراهی همسرش در مهمانی‌ها هم برخوردار نیست. این زن بوده است که در طول سال‌ها خانواده را دورهم جمع کرده و روابط اجتماعی خانواده را مدیریت کرده است و همه این‌ها پس از جدایی، حس تنهایی و انزوا را در مردان تقویت می‌کند.»

این روانشناس درباب چرایی طلاق در سنین بالا عنوان می‌کند: «مسلما رسیدگی به فرزندوقت زیادی از والدین گرفته و محدودیت‌ها و قید و بندهای بسیاری به آن‌ها تحمیل می‌کند؛ محدودیت‌هایی که به‌سهم خود می‌تواند احساس شادمانی در زندگی و نیز رضایت زناشویی افراد را کاهش دهد؛ بنابراین رفتن بچه‌ها از خانه والدین، فرصت مغتنمی است تا والدین بتوانند بار دیگر به نیازهای خود و همسرشان توجه کنند، و از این طریق کیفیت زندگی و رابطه خود را ارتقا دهند. البته موضوع نگران کننده‌ای که در این مورد پیش می‌آید، این است که گاهی وجود فرزندان و رسیدگی به آن‌ها باعث می‌شود زوجین علیرغم تعارض‌ها و درگیری‌های بسیار، کنار یکدیگر بمانند و از مشکلات مربوط به رابطه زناشویی خود غافل بمانند. در چنین شرایطی، رفتن بچه‌ها از خانه، منجر به بازشدن زخم‌های کهنه و روشن شدن آتش اختلافاتی می‌شود که زن و شوهر تلاش می‌کردند، به بهانه و با تمرکز بر نقش‌های پدر و مادری خود آن‌ها را نادیده بگیرند. از سوی دیگر، تا زمانی که زوجین کار می‌کنند یک سبک زندگی دارند و زمانی که بازنشسته می‌شوند سبک زندگی آن‌ها تغییر می‌کند و همین امر منجر به تغییر در رفتارشان می‌شود به طوری که گاهی دیگر نمی‌توانند زندگی و رفتار خود را مدیریت کنند که این موضوع نیز می‌تواند عاملی برای طلاق در سالمندی باشد. همچنین معمولا بعد از بازنشستگی، توقع افراد بالا می‌رود و به همین اساس تقاضای زندگی بهتری دارند و درصورتی که هریک از طرفین نتوانند توقعات را برآورده کنند از یکدیگر جدا می‌شوند.»

زنان دشواری‌های افزون‌تری را تجربه می‌کنند

دکتر علی اصغر کیهان نیا، وکیل پایه یک دادگستری نیز در این باره می‌گوید: «علت‌های مرئی و نامرئی در بروز طلاق در زوج‌های میانسال و سالمند مؤثر است. چنان که از دلایل این امر می‌توان به رنجیدگی‌های پنهان مانده زوجین اشاره کرد که با گذشت سال‌ها حل نشده است. بدین ترتیب به دردی مزمن تبدیل شده که با فراهم شدن فرصتی، خودنمایی می‌کند. بی‌تردید افرادی که برای مدت طولانی در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند اگر در دوران میانسالی از هم جدا شوند دچار آسیب‌های فردی می‌شوند و این آسیب در زنان بسیار بیشتر است. چراکه زنانی که یک عمر خانه‌دار بوده‌اند و هیچ مهارتی ندارند، بعد از طلاق نمی‌دانند باید چه کاری انجام دهند و در نتیجه برای امرار معاش دچار مشکل شده و عدم انرژی و انگیزه کافی برای اشتغال، غالبا مانع از کسب درآمد کافی برای آن‌ها می‌شود. ولی این موضوع برای مردان متفاوت است، چراکه آن‌ها کار می‌کنند و چون شاغل هستند در این زمینه دچار مشکل نمی‌شوند. به طور حتم وقتی طلاقی رخ می‌دهد باز هم این زن است که ناگزیر باید فشارها و دشواری‌های افزون‌تری را تجربه کند. البته اگر زن‌ها به حدی از توانمندی رسیده باشند که با هوشمندی بدانند چرا جدا می‌شوند و قرار است پس از جدایی چه کنند، شاید این آسیب‌ها کمتر باشد، اما اغلب زن‌ها چنین شرایطی ندارند.»

کیهان نیا عنوان می‌کند: «نتایج یک تحقیق که بر روی پیامدهای طلاق در میانسالی انجام شده، نشان می‌دهد که آسیب‌های طلاق برای زنان در مقایسه با مردان بیشتر است. بنابراین شاید پیامدهای طلاق در میانسالی برای مردان کمتر از زنان باشد، اما آقایان نیز تأثیرات مخربی را تجربه می‌کنند. گرچه مردان از نظر مالی دارای استقلال بیشتری هستند، اما دیده می‌شود که بعد از طلاق از نظر کاری دچار مشکلاتی شده و افت می‌کنند. این مسائل نیز غالبا ناشی از چالش‌های عاطفی، روحی، جسمی و اعتباری است که بعد از جدایی از همسر به آن‌ها دست می‌دهد. احساس تنهایی و نیازمندی‌های جنسی بخش دیگری از مسائلی است که مردان پس از طلاق در میانسالی با آن مواجه می‌شوند. مردان علیرغم آنکه کمبودهای عاطفی خود را جدی نشان نمی‌دهند، اما نیاز دارند که مورد حمایت احساسی زن قرار بگیرند و چنین تغییرات بزرگی برای آن‌ها ناخوشایند است.»

کیهان نیا معتقد است: «زمانی که مردان در میانسالی از همسرشان جدا می‌شوند احساس می‌کنند که زندگی مؤثری نداشته‌اند و فقط وقتشان را هدر داده‌اند. آن‌ها در این دوران دچار بحران می‌شوند و پوچی تمام وجودشان را فرامی‌گیرد. نکته‌ای که باید به آن اشاره شود این است که با توجه به مشکلاتی که برای مردان ایجاد می‌شود در رابطه با فرزندانشان هم دچار چالش می‌شوند و زنانی که به دنبال حامی هستند از این مردان سوء استفاده خواهند کرد. از آنجایی که مردان در دوران میانسالی شاغل هستند و می‌توانند مسائل اقتصادی را حل کنند به سمت ازدواج با زنانی می‌روند که سنشان بسیار کمتر از خودشان است و به دلیل اختلاف سنی و عدم درک متقابل، در این نوع ازدواج هم شکست می‌خورند.»

نام آشنای سپهر سیاست ایران

ادامه از صفحه اول

پس از انقلاب اسلامی سمت های گوناگون از سوی امام (ره) به او سپرده شد. مهمترین آن مسئولیت های کلیدی پذیرفته شده در کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد مستضعفان و... بود. او از سوی دولت وقت به عنوان وزیر بازرگانی انجام وظیفه کرد. همچنین از سوی مردم دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی را به عهده داشت.

۲- عسکراولادی در کسوت دبیرکلی حزب موتلفه اسلامی و نیز جبهه پیروان خط امام و رهبری به عنوان یکی از علمداران سیاسی کشور شناخته می شد. او و یارانش خودشان را چشم و گوش نظام و رهبری می دانستند. یادم می آید یک وقتی به من می گفت؛ در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی که نامش در فهرست نیروهای خط امام (ره) بود به نفع یکی کنار رفت. به مناسبتی که خدمت امام شرفیاب شده بود، امام (ره) از او گله کرده بود که چرا خود را از لیست حذف کرده است. امام (ره) گفته بود: «من گفتم شما در لیست باشید». از این بیان امام معلوم بود که غیر از آنکه عسکراولادی خود را چشم و گوش رهبری می دانست، رهبری هم این شأن را برای او قائل بود.

حبیب الله عسکراولادی از اصحاب سرّ امام (ره) بود. در لایه های مشورتی حرف او مسموع بود.

۳- این روزها شاهد پیروزی شگفت انگیز مقاومت علیه رژیم غاصب صهیونیستی هستیم. عسکراولادی مواضع صریح و روشن و شجاعانه‌ای علیه رژیم صهیونیستی داشت. او معتقد بود امام (ره) رژیم صهیونیستی را مانع اصلی اسلامی شدن ایران، جهان اسلام و مانع جدی اسلامی شدن جهان در آستانه حضور حضرت مهدی (عج) می دانست. لذا در این خصوص هوشمندی حیرت انگیزی داشت. او معتقد بود ریشه اختلافات جناح‌های سیاسی در داخل به فعالیت سرویس‌های موساد و سیا و ام آی ۶ انگلیس برمی گردد.

لذا برای همگرایی نیروهای خط امام (ره) در جهت وحدت ملی و انسجام اسلامی تلاش می کرد. نامه های او به سران مجمع روحانیون مبارز و سران به اصطلاح اصلاحات و روشنگری در این خصوص نشان می داد به این موضوع عمیقا حساس است. ردپای دشمن در ضربه به وحدت ملی را در نبال می کرد و در وقت مقتضی با آن مقابله می کرد.

۴- او از شاگردان برجسته آیت الله حق شناس بود و در سلوک روحی و اخلاقی و حتی در حوزه سیاست در این مسیر گام برمی داشت. معمولا در جلسات به هر بهانه ای از وی یاد می کرد.

آیت‌الله حق‌شناس در مورد تشخیص علم معتقد بود باید دید «عَلَم» در دست کیست؟ لذا عسکراولادی پس از انقلاب وقتی « عَلَم » انقلاب را در دست بهشتی و خامنه‌ای و باهنر دید، با تمامی یاران حزب مؤتلفه اسلامی به حزب جمهوری اسلامی پیوست. پس از انحلال حزب با کسب اجازه از امام (ره) دوباره حزب را احیاء کرد. اما همواره به علمداری روحانیت مبارز و جامعه مدرسین در سپهر سیاست ایران احترام می گذاشت و سعی می کرد حزب را ذیل رهبری حضرات مدیریت و رهبری کند. لذا او و حزب مؤتلفه اسلامی یک پای ستون همگرایی، وحدت و ائتلاف بود.

۵- آموزه های سیاسی او بر ذهن بسیاری از مدیران کشور و رهبران احزاب و گروه‌های رجال سیاسی کشور هنوز وجود دارد. او در مدت حیات پربرکتش مدیران زیادی را تربیت کرد و جوانان بسیاری را در خط امام و رهبری آموزش داد. امروز آنان منشاء برکات زیادی در مدیریت جامعه ما در سراسر کشور هستند.

۶- روزنامه «رسالت» یکی از یادگارهای گرانسنگ او در شمار مطبوعات برجسته کشور است. از آن زمان که او و یارانش تصمیم گرفتند یک گفتمان سیاسی متفاوت از دولت وقت داشته باشند، «رسالت» را تأسیس کردند. عسکراولادی به عنوان یک روزنامه نگار حرفه ای در «رسالت» سرمقاله نوشت، مصاحبه کرد و در هدایت تحریریه آن با حضور مداوم در هیئت امناء «رسالت» این نقش را به نیکی انجام داد.

او تا آخرین روزهای حیاتش بر این نقش اصرار داشت و در جلسات «رسالت» به طور منظم شرکت می کرد.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد

علمدار جبهه مقاومت

ادامه از صفحه اول

حزب‌الله لبنان خصوصا به فرماندهی سیدحسن نصرالله سندی شد بر ظرفیت و توانایی مقاومت گروه‌های کوچک و غیردولتی و سرمشقی شد برای گروه‌هایی همچون حماس. امروز حماس، دیروز حزب‌الله است و امروز حزب‌الله فردای حماس.

آنچه سید مقاومت در سخنرانی عصر جمعه تبیین کرد، اولا شکست رژیم در جنگ تا به امروز بود. این حقیقت که این قتل‌عام‌های وحشیانه نمی‌تواند برای رژیم پیروزی به حساب بیاید، از زبان شخصیتی چون سیدحسن نصرالله شنیدنی‌تر است. او خود مرد جنگ است و می‌داند هدف نظامی یعنی چه. با وجود این حدود ۱۰ هزار نفر شهید، نسبت بین رژیم صهیونیستی با غزه چه تفاوتی با قبل از عملیات هفتم اکتبر کرده است؟ مطلقا هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. اما جریان مقاومت به هدف‌های متعددی دست یافت. شکست هیمنه اطلاعاتی دشمن، شکست هیمنه نظامی او و گنبد آهنین، شکست پروژه عادی‌سازی، برگرداندن مسئله فلسطین به صدر اخبار جهان، به میدان آوردن افکار عمومی جهانی و ملت‌ها به سود فلسطین، شعله‌ور ساختن آتش اختلافات داخلی رژیم و افزایش نارضایتی ساکنان اراضی اشغالی از نتانیاهو، فعال شدن جبهه جنگ دشمن با لبنان و اضافه کردن دیگر گروه‌های مقاومت به جبهه جنگ با رژیم، بخشی از دستاوردهای حماس طی عملیات طوفان الاقصی بوده است.

مطلب دومی که در این سخنرانی تبیین شد، ابعاد دخالت حزب‌الله در جنگ فعلی است. درگیری حزب‌الله با دشمن در مرزهای شمالی این رژیم برای او بسیار خسارت‌بار و سنگین است. توانایی‌ها و ظرفیت‌های حزب‌الله لبنان باعث شده حرکت‌های اموزش دستکم گرفته شود. درست است که حزب‌الله می‌تواند بلاهای بدتری بر سر رژیم اشغالگر بیاورد، اما این به این معنی نیست که امروز دست روی دست گذاشته است و یا حملاتش به پایگاه‌ها و تسلیحات دشمن، غیرراهبردی و بی‌اهمیت است.

مطلب سوم و مهم‌ترین مطلب، آینده جنگ بود. سیدحسن نصرالله جنگ را برای دشمن بدون آینده تصویر کرد. از ریشه کندن مقاومت غزه برای اسرائیل لقمه از دهان بزرگ‌تر است و ادامه جنگ برای دشمن به نقطه مطلوبی نمی‌رسد. ریشه شکست او همین انتخاب هدف غلط اوست. حماس بیش از آنکه یک مجموعه از افراد و فرماندهان و سربازان باشد، یک ایده است. این واقعیتی است که دشمن مغرور نمی‌تواند آن را بپذیرد. حزب‌الله لبنان از آغاز شکل‌گیری بارها مهم‌ترین عناصر خود را از دست داد. مگر با شهادت سیدعباس موسوی و عماد مغنیه حزب‌الله نابود شد که امروز با شهادت محمد الضیف و ابوعبیده و اسماعیل هنیه حماس نابود شود؟ مگر دریمن، پیش از تهاجم عربستان، انصارالله یک گروه مقاومت فعال در منطقه بود؟ ایده و شعله مقاومت در قلب مظلومان وجود دارد و با ظلم تنها گرمی گیرد. پس سقوط دشمن نتیجه خیزاو به سمت قله‌های دست‌نایافتنی است. شکست دشمن از غرورش نشأت می‌گیرد و پیروزی حق از خودباوری‌اش. خودباوری حق از خداباوری است و غرور دشمن از خودپرستی.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو) وانت نیسان ۲۰۰۰ مدل ۱۳۶۶ به رنگ بژ روغنی به شماره انتظامی ۵۰۴۵ل۵۳-ایران ۲۲ شماره موتور ۱۸۲۹۳۶ شماره شاسی ۰۵۰۴۶۶ به نام سیدعلی آقاجانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه) برگ کمپانی (سند خودرو آسال مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۹۳۲ م ۴۳ ایران ۲۸ به شماره موتور ۱۱۸۸۹۰۰۳۰۶۰ و شماره شاسی ۲۶۷۷۹۴ به نام رضا حمیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت سواری سمند مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۹۹۱ص۵۶-ایران ۷۳ و شماره موتور ۰۷۱۰۹۳ و شاسی ۰۷۴۰۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگ کمپانی کامیون کشنده دانگ فنگ مدل ۲۰۰۹ به شماره انتظامی ۳۲۷ع ۳۱ ایران ۵۳ به شماره موتور ۲۹۵۵۸۹۸۰ به شماره شاسی LGAGLMYM1918299927 بنام علی سهرابی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پراید به شماره موتور ۱۲۰۴۷۸۶ و شماره شاسی S1412284600576 و شماره انتظامی ۴۵۸ج۱۲-ایران ۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) موتورسیکلت نامی KR۱۵۰ شماره موتور ۰۹۲۵۸۰ NBE۱۴۹ و شماره تنه NBEPLRGBCLYM۰۰۳۳۷۳ و شماره انتظامی ۲۸۱۹۲-۵۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی کمیسری ان ۱۰ به شماره موتور ۱۶۵۴۱۲ و شماره شاسی ۰۵۰۲۴۱ و شماره انتظامی ۸۸۴۵۷۱-ایران ۶۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب محمدرضا عابدی مالک سواری سمند به شماره موتور ۱۴۷H۰۳۰۴۰۹۶ و شماره شاسی NAACJ۱JE۴HF۲۲۱۱۹۲ و شماره پلاک ۶۸۸ ب ۵۶ ایران ۸۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است. لذا چنانچه احدی ادعایی درخصوص خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکان شهر- ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سمند به شماره انتظامی ۶۸۸ ب ۵۶ ایران ۸۲ و شماره موتور ۱۴۷H۰۳۰۴۰۹۶ و شماره شاسی NAACJ۱JE۴HF۲۲۱۱۹۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب نصراله بهرامی مالک سواری پژو ۲۰۷ به شماره موتور ۱۷۸B۰۰۴۸۱۴۷ و شماره شاسی NAAR۰۳FE۸LJ۱۹۱۳۸۰ و شماره پلاک ۶۶۶ ب ۸۱-ایران ۹۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است. لذا چنانچه احدی ادعایی درخصوص خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکان شهر- ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پراید صبا به شماره انتظامی ۸۲۱م ۵۷-ایران ۸۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک موتورسیکلت سیستم احسان تیپ CDI۱۲۵مدل ۱۳۸۵ به رنگ نقره ای شماره پلاک ۴۸۱-۱۲۷۶۱ شماره موتور ۳۰۰۵۰۰۸۵۰ شماره تنه ۱۲۵E۸۵۲۳۳۵۵ متعلق به سبزعلی غنیمتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو پارس مدل ۸۸ رنگ خاکستری به شماره شهربانی ۵۵۴ی۲۱-ایران ۶۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۰۸۰۵۹۳ و شماره شاسی ۷۵۸۳۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری هاچ بک مدل ۱۳۹۶ سیستم دانگ فنگ به رنگ سفید روغنی دارای شماره موتور FA۱۷۳B۰۰۰۶۶۱۶ و شماره شاسی NAAE۴CFZ۳HX۰۲۰۹۳۱ و شماره پلاک ایران ۲۳-۴۲۶ص۹۶ به نام معصومه مصطفایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک موتور کولاک ۱۲۵ سیستم CDI از قبیل کارت سند و مدارک شرکت سوخت به شماره پلاک ۶۲۸-۴۱۶۴ و شماره موتور ۲۰۸۰۴۹ و شماره بدنه ۹۳۰۰۰۴۷ به رنگ قرمز به نام محمد شریفی فرزند جمال به نمایندگی از اطاق اصناف مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سند سواری رنو مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید شیری روغنی به شماره موتور ۱۰۰۰۱۹۶SRR۱۰۶۳۴۳ و شماره شاسی NAALSRALDGA۲۴۵۸۰۹ و شماره پلاک ۲۳-۲۶۳ص۵۸ به نام ابوال